

شکرگزاری؛ واکنش فطری به نعمت‌ها*

استاد علامه محمدتقی مصباح

چکیده

این مقاله به بحث از ضرورت شکرگزاری در برابر نعمت‌های بی‌کران الهی می‌پردازد. انسان مؤمن بایسته است در برابر نعمت‌های الهی، همواره شاکر باشد. همچنان‌که در برابر هدیه یا خدمتی که دیگری به ما می‌کند، لبخند رضایت زده و خوشنود می‌شویم، در برابر نعمت‌های بی‌منت و منتهای الهی شکرگزار باشیم.

شکرگزاری از جهت زبانی، جوارحی، جوانحی، عبادت و بندگی خدا و نیز ابراز خشنودی و انجام تکلیف الهی و... صورت گیرد. برای تقویت روحیه شکرگزاری خواندن ادعیه ماثور می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: دعا، شکرگزاری، نعمت‌های الهی.

بهره‌مندی از نعمت‌ها و واکنش‌های روانی و

رفتاری انسان

پس از آنکه انسان دریافت که خداوند نعمتی را در اختیارش نهاده و نیازش را برآورده ساخته است، به طور طبیعی واکنش‌ها و حالات خاص روانی در وی پدید می‌آید. اگر چیزی در اختیار انسان قرار گیرد که اثر و فایده فوری داشته باشد، مثلاً آب خنکی در اختیار فرد تشنه‌ای قرار گیرد و او توجه داشته باشد که خداوند آن نعمت را به او عطا کرده است، از نوشیدن آن آب و بهره بردن از آن نعمت لذت می‌برد. به دنبال احساس لذت، احساس سرور و شادمانی و حالت انبساط خاصی در وی پدید می‌آید که بی‌تردید این احساس، غیر از لذتی است که ابتدائاً از آشامیدن آب خنک پدید می‌آید. در پی این حالت انبساط و سرور، انسان گشاده‌رو می‌گردد و با روی باز با دیگران برخورد می‌کند و با آنان سخن می‌گوید. در مقابل، کسی که نعمتی را از دست داده، حالت انقباض و گرفتگی در او پدید می‌آید و مغموم و ناراحت می‌گردد و حال و حوصله سخن گفتن با دیگران را نیز ندارد.

حالت سومی که به هنگام برخورداری از نعمت به انسان دست می‌دهد، حالت رضایت و خشنودی از خداوند و یا کس دیگری است که چیزی را در اختیار انسان نهاده است. وقتی کسی به دیگری خدمتی می‌کند و نیازی از او برطرف می‌سازد، علاوه بر التذاذ و انبساط خاطر در فردی که نیازش برطرف شده، وی نسبت به کسی که به او خدمت کرده و نیازش را برطرف ساخته، احساس خوشایندی پیدا می‌کند که به آن احساس رضایت گفته می‌شود. برخلاف آن دو حالت و احساس قبلی که متعلق نداشتند، این احساس و حالت نسبی است و متعلق دارد و متعلق آن کسی است که چیزی را در اختیار

انسان قرار داده و نیازی را از او برطرف ساخته است. این احساس رضایت، فطری و طبیعی است و در انسان‌هایی که بر مدار انسانیت هستند پدید می‌آید. در پی این حالت، انسان نسبت به کسی که خدمتی به او کرده و متناسب با ارزش آن خدمت، حرمت خاصی را منظور می‌دارد.

پس از آنکه احساس احترام نسبت به کسی که خدمتی به انسان کرده پدید آمد، انسان می‌کوشد که آن احساس احترام درونی را به وسیله جوارح و اندام خود بروز دهد و متناسب با آداب و رسوم عرف و جامعه خود و به انحای گوناگون، افراد آن حالت را بروز می‌دهند. اولین واکنش رفتاری در مقام سپاسگزاری و قدردانی از دیگران، سپاس و تشکر به وسیله زبان است. این اولین واکنش رفتاری در برابر خدمتی است که به انسان شده است. پس از آن، متناسب با آداب و رسوم جوامع گوناگون، حرکات و رفتار خاصی به عنوان قدردانی و سپاسگزاری انجام می‌پذیرد. برخی در این مقام، دست بر سینه می‌نهند؛ برخی از مردم و جوامع سرشان را خم می‌کنند و برخی از مردم کف دو دست را در مقابل سینه روی هم می‌گذارند، و برخی تا زانو خم می‌شوند. در شرع مقدس نیز نهایت ادب و حالت قدردانی و سپاس از خداوند، افتادن بر خاک و نهادن صورت بر آن محقق می‌گردد. امام صادق^۷ در این باره فرمودند: «إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ. فَإِنْ كَانَ زَاكِبًا فَلْيُنْزِلْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرْ عَلَى التُّرَابِ لِلشَّهْرَةِ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى قَرْبُوسِهِ، وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ»^(۱) هرگاه یکی از شما نعمت خداوند را به یاد آورد، باید برای شکرگزاری از خدا چهره روی خاک نهد و اگر سوار

اگر کسی نعمت خدا را در راه حلال و مباح به کار گیرد و آن را در راه حرام و معصیت به کار نگیرد تا گرفتار عذاب و کیفر الاهی گردد و به تعبیر دیگر، نعمت خدا را به نعمت تبدیل نکند و کفران نعمت نداشته باشد، مرتبه‌ای از شکر نعمت خدا را به جا آورده است. اما اگر علاوه بر استفاده حلال و مباح از نعمت الاهی، آن را در راه عبادت خدا به کار گیرد، مرتبه بالاتری از شکر خدا را به جا آورده است. آن‌گاه با توجه به مراتب عبادات بندگان، که پایین‌ترین مرتبه آن عبادت از ترس آتش جهنم است و مرتبه بعدی عبادت به جهت نیل به ثواب و پاداش است و مرتبه عالی و نهایی آن عبادت برای تحصیل رضوان الاهی و نیل به قرب معبود می‌باشد، هرچه انگیزه انسان در عبادت خدا فراتر رود، مرتبه شکرگزاری انسان از نعمت الاهی نیز افزایش می‌یابد. با توجه به آنچه گفته شد، در قبال نعمتی که خداوند در اختیار انسان می‌نهد، اولین مرتبه شکر نعمت خدا که فطرت انسانی اقتضای آن را دارد، این است که انسان با زبان شکر خداوند را بگوید و سپاس او را به جا آورد. دومین مرتبه آنکه سجده شکر به جا آورد و صورت بر خاک نهد، سومین مرتبه آنکه نعمت خدا را در راه گناه و معصیت مصرف نکند، چهارمین مرتبه شکر نعمت این است که آن را در راه عبادت خدا به کار گیرد و در این مرتبه هرچند قصد و نیت او در عبادت خالصانه‌تر و کامل‌تر باشد، به مرتبه عالی‌تری از کمال و شکرگزاری خدا نایل می‌گردد.

راهکار پیدایش انگیزه شکرگزاری در انسان

گاهی انسان انگیزه سپاسگزاری و شکرگزاری از خداوند را ندارد. از این‌رو، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه انگیزه شکرگزاری از خداوند در انسان پدید می‌آید؟

است، باید پیاده شود و چهره روی خاک گذارد و اگر از بیم شهرت نتواند پیاده شود، چهره روی کوهه زین گذارد، و اگر نتواند چهره بر کف دست گذارد. سپس خدا را بر نعمتی که به او داده حمد کند.

بر اساس این روایت، علاوه بر شکر زبانی در قبال نعمت‌های خدا، ادب شرعی و ادب عبودیت ایجاب می‌کند که وقتی انسان به یاد نعمت خدا می‌افتد، به خاک افتد و صورت خود را بر خاک بگذارد. علاوه بر این، فراتر از آن، یکی از نمودها و مظاهر برجسته شکرگزاری از خداوند این است که انسان از نعمت خدا استفاده شایسته ببرد و آن نعمت را در مسیری که مطلوب و مورد رضایت خداوند است، به کار گیرد. وقتی انسان می‌نگرد که خداوند نعمتی را در اختیار او نهاده که استفاده به‌جا و شایسته از آن، نتایج همیشگی و دایمی در پی دارد، عقل سلیم حکم می‌کند که از آن نعمت، استفاده صحیح و مطلوب صورت پذیرد و مورد سوءاستفاده قرار نگیرد، تا ضرر و خسارتی متوجه انسان نگردد. وقتی فردی چیزی را در اختیار ما می‌نهد، در درجه اول انتظار دارد که از آن سوءاستفاده نکنیم، بلکه به گونه‌ای از آن استفاده کنیم که نفعی نیز عاید او شود. مثلاً وقتی کسی لباس زیبایی به ما هدیه می‌دهد انتظار دارد که ما آن را بپوشیم تا او ببیند و لذت ببرد. طبیعی است که خداوند در قبال نعمتی که به ما داده، به دنبال نفع و لذتی نیست؛ زیرا او غنی و بی‌نیاز است. پس او از ما می‌خواهد که از نعمتش سوءاستفاده نکنیم و از نعمت‌های او بخصوص نعمت‌های معنوی، چون عقل، در مسیر رسیدن به تکامل و سعادت ابدی‌مان بهره‌برداری کنیم. به عبارت دیگر، خداوند از ما می‌خواهد که نعمتش را در راه حرام و معصیت به کار نبندیم و آن را در جهت عبادت و اطاعت خدا و تکامل خودمان به کارگیریم.

اگرچه انسان فطرتاً به کسی که نعمتی را در اختیارش نهاده احترام می‌گذارد و از او تشکر می‌کند، اما گاهی انسان توجه ندارد که نعمت‌هایی را که دارد خداوند در اختیار او نهاده است. ثانیاً، اگر توجه هم داشته باشد، گرفتاری‌ها و مشکلات مانع شکرگزاری از خداوند می‌گردد. یا آنکه در مقام شکرگزاری به گفتن «الحمد لله» یا «شکراً لله» بسنده می‌کند و مراتب کامل شکرگزاری از نعمت‌های خدا را به جا نمی‌آورد. پاسخ این است که برای یافتن انگیزه جهت انجام هر کار اختیاری، باید به منافع آن کار اندیشید که اگر منافع و نتایج آن کار برای انسان ارزشمند و مهم باشند، انسان به انجام آن اقدام می‌ورزد.

صرف نظر از موانعی که ممکن است در انجام کار خیر به وجود آید، در شرایط طبیعی و عادی، عدم باور و عدم توجه به منافع کار خیر یا غفلت از آنها موجب می‌گردد که انسان به انجام کار خیر مبادرت نرزد. پس برای ایجاد انگیزه جهت انجام کار خیر و از جمله شکرگزاری از خداوند، در مرحله اول انسان باید به منافع و فواید آن کار توجه کند. اولین فایده توجه به نعمت‌ها برای انسان و حتی برای کسی که اعتقادی به دین ندارد، این است که از داشتن آنها لذت می‌برد و احساس خوشنودی و رضایت می‌کند. در هر حال، وقتی انسان به دارایی‌ها و امکانات خود توجه می‌کند، احساس شادمانی و رضامندی می‌کند. صرف نظر از اینکه ما به خداوند ایمان داریم و معتقدیم که وجود و جوارح و اعضای بدن ما از خداست و خداوند به تدبیر آنها می‌پردازد، اگر به اعضای بدن خود، نظیر گوش و چشم خود بنگریم، درمی‌یابیم که چه سرمایه‌های کلانی در اختیار ماست و قدر آنها را نمی‌دانیم. اگر چشم کسی کور شود حاضر است همه ثروت خود را بدهد تا چشمش بینا گردد. یا اگر قلب، کبد و دیگر اعضای او

آسیب ببیند، از صرف هر هزینه‌ای برای به دست آوردن سلامتی آنها دریغ نمی‌ورزد. حال وقتی انسان به این سرمایه‌های بزرگی که خداوند به رایگان در اختیارش نهاده است، می‌اندیشد، احساس شادمانی و رضایت می‌کند و وجود پاره‌ای از کمبودها او را نگران نمی‌سازد. فایده دیگر توجه به نعمت‌ها این است که انسان درمی‌یابد که محبوب کسی است که آن نعمت‌ها را در اختیارش نهاده است. یکی از بزرگ‌ترین نیازهای روانی انسان محبوب گشتن در نزد دیگران است. در روان‌شناسی ثابت شده است که اگر انسان در شرایطی قرار گیرد که احساس کند هیچ‌کس او را دوست ندارد و از چشم همگان افتاده است، در بدترین وضعیت روحی، که کمتر برای کسی رخ می‌دهد قرار می‌گیرد و ممکن است در آن شرایط دیوانه شود یا ممکن است اقدام به خودکشی کند. پس نیاز به دوست داشتن، یک نیاز ضروری روانی است. وقتی انسان دریابد که چون خداوند او را دوست می‌دارد، آن‌همه نعمت را رایگان در اختیارش نهاده، اطمینان خاطر و آرامش روحی پیدا می‌کند و به شکر نعمت‌های الهی می‌پردازد. آن‌گاه وقتی انسان توجه می‌کند که ممکن است آن نعمت‌ها از بین بروند، اما اگر شکر آنها را به جا آورد دوام پیدا می‌کنند، انگیزه او برای شکرگزاری تشدید می‌گردد. همچنین وقتی درمی‌یابد که با شکرگزاری از خدا، نه فقط نعمت دوام پیدا می‌کند، بلکه آن نعمت افزایش می‌یابد و کامل‌تر می‌گردد. همچنین وقتی دریابد که با شکرگزاری از خدا، خداوند ثواب و نعمت‌های ابدی اخروی را در اختیارش می‌نهد، با همه وجود درصدد شکرگزاری از نعمت‌های الهی برمی‌آید. نعمت‌های دنیوی که انسان به آنها دل می‌بندد و مثلاً وقتی نعمت سلامتی او در خطر قرار

گرفته انسان فطرتاً به کسی که نعمتی را در اختیارش نهاده احترام می‌گذارد و از او تشکر می‌کند، اما گاهی انسان توجه ندارد که نعمت‌هایی را که دارد خداوند در اختیار او نهاده است. ثانیاً، اگر توجه هم داشته باشد، گرفتاری‌ها و مشکلات مانع شکرگزاری از خداوند می‌گردد. یا آنکه در مقام شکرگزاری به گفتن «الحمد لله» یا «شکراً لله» بسنده می‌کند و مراتب کامل شکرگزاری از نعمت‌های خدا را به جا نمی‌آورد. پاسخ این است که برای یافتن انگیزه جهت انجام هر کار اختیاری، باید به منافع آن کار اندیشید که اگر منافع و نتایج آن کار برای انسان ارزشمند و مهم باشند، انسان به انجام آن اقدام می‌ورزد.

صرف نظر از موانعی که ممکن است در انجام کار خیر به وجود آید، در شرایط طبیعی و عادی، عدم باور و عدم توجه به منافع کار خیر یا غفلت از آنها موجب می‌گردد که انسان به انجام کار خیر مبادرت نرزد. پس برای ایجاد انگیزه جهت انجام کار خیر و از جمله شکرگزاری از خداوند، در مرحله اول انسان باید به منافع و فواید آن کار توجه کند. اولین فایده توجه به نعمت‌ها برای انسان و حتی برای کسی که اعتقادی به دین ندارد، این است که از داشتن آنها لذت می‌برد و احساس خوشنودی و رضایت می‌کند. در هر حال، وقتی انسان به دارایی‌ها و امکانات خود توجه می‌کند، احساس شادمانی و رضامندی می‌کند. صرف نظر از اینکه ما به خداوند ایمان داریم و معتقدیم که وجود و جوارح و اعضای بدن ما از خداست و خداوند به تدبیر آنها می‌پردازد، اگر به اعضای بدن خود، نظیر گوش و چشم خود بنگریم، درمی‌یابیم که چه سرمایه‌های کلانی در اختیار ماست و قدر آنها را نمی‌دانیم. اگر چشم کسی کور شود حاضر است همه ثروت خود را بدهد تا چشمش بینا گردد. یا اگر قلب، کبد و دیگر اعضای او

شکرگزاری نکنند آرامش نمی‌یابند و حداقل با شکرگزاری از خداوند می‌کوشند که در حد توان دین خود را به خداوند ادا کنند. در روابط بین مردم نیز مشاهده می‌شود که وقتی کسی خدمتی به هم‌نوع خود می‌کند، کسی که خدمت را دریافت کرده، خود را رهین کسی می‌یابد که به او خدمت کرده و می‌کوشد که حداقل با زبان به جبران آن خدمت و سپاسگزاری بپردازد و با تشکر و عذرخواهی می‌کوشد از بار مسئولیت و دین خود بکاهد. اگر به واکاوی این سطح از انگیزه نیز بپردازیم، درمی‌یابیم که در آن به نوعی توجه به خویش نهفته است؛ زیرا احساس ناراحتی از عدم شکر نعمت و در نتیجه، آرامش و اطمینان یافتن دل و وجدان محرک شکرگزاری گردیده است. اما دوستان خاص خدا که به عالی‌ترین مراتب کمال و اخلاص راه یافتند، چنان غرق در عظمت، محبت و ولایت الهی هستند که خود را فراموش می‌کنند و انگیزه‌های نفسانی، محرک آنان برای عبادت خداوند نمی‌گردد.

نقش ادعیه در تقویت روحیه شکرگزاری از خدا

به هر حال، انسان حتی برای جلب بیشتر نعمت و دوام آن و نیل به ثواب اخروی هم که شده، باید به شکرگزاری خداوند بپردازد. چنان‌که گفتیم درک ضرورت سپاس و شکرگزاری از خداوند، متوقف بر شناخت نعمت‌های خداست. روشن است که انسان از درک گستره نعمت‌های خداوند عاجز است و حتی اگر ما تمام وقت خود را به شکرگزاری بپردازیم، نمی‌توانیم حق سپاس از همه نعمت‌های خدا را به جا آوریم. پس برای اینکه ناسپاسی و کفران نعمت نکرده باشیم، باید در حد امکان قدری از وقت خود را در شبانه‌روز به شکر نعمت‌های خدا اختصاص دهیم. بهتر است که هر چند روز دعاهایی را که

می‌گیرد، با صرف هر هزینه‌ای می‌کوشد که سلامتی خود را باز یابد، زودگذر هستند. بالاخره، روزی می‌رسد که همه آن نعمت‌ها و از جمله نعمت عمر از انسان ستانده می‌شود. اما نعمت‌های اخروی ابدی و جاودانه و از نظر کیفیت و تأمین نیازهای معنوی انسان و جلب شادمانی و رضامندی انسان نیز قابل مقایسه با نعمت‌های دنیوی نمی‌باشند. از این نظر، جا دارد که انسان اهتمام بیشتری برای کسب نعمت‌های معنوی و ابدی پیدا کند و یکی از راه‌های جلب آن نعمت‌ها، شکرگزاری از خداوند است. پس غفلت از نتایج شکرگزاری خدا عامل اصلی نداشتن انگیزه برای شکرگزاری است.

علاوه بر این، توجه به نعمت‌های الهی ایجاب می‌کند که انسان از روی سپاسگزاری و ادب اسلامی و با خشوع و خضوع سر بر خاک بگذارد. این عمل که با انگیزه شکرگزاری از خداوند انجام پذیرفته، عبادت خالصانه محسوب می‌گردد. جا دارد که به واکاوی انگیزه چنین عبادتی بپردازیم. آن انگیزه می‌تواند امید به دوام و افزایش نعمت باشد، و می‌تواند انگیزه آن احساس تکلیف و محبوب بودن آن عبادت در نزد خدا باشد، بدون چشمداشت افزایش و دوام نعمت و حتی ثواب و پاداش اخروی. بسیاری از مردم با انگیزه رسیدن به ثواب و پاداش به عبادت می‌پردازند. اگر از آنان سؤال شود که چرا عبادت می‌کنید؟ می‌گویند: برای کسب پاداش و ثواب و رهایی از آتش جهنم. اما انگیزه کسانی که به تعالی و کمال دست یافته‌اند و توانسته‌اند نیت و رفتارشان را برای خداوند خالص گردانند، احساس تکلیف و جلب رضایت خداوند است. اگر خداوند پاداشی به آنها عطا نکند هم به عبادت و شکرگزاری از خداوند می‌پردازند. آنان خود را مدیون خداوند و نعمت‌های او می‌دانند و تا

أَمْسَى وَأَصْبَحَ مَغْلُولاً مُكَبَّلًا فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعُدَاةِ...»^(۳) خدایا و سید من، چه بسا بنده‌ای که شب و روزش سپری گردد، در حالی که دشمن غل و زنجیر بر او افکند و بدو رحم نکند و جدا از کسان و فرزندان و دور از برادران و وطن به سر برد. هر ساعت در انتظار آن است که او را چسان خواهند کشت و چگونه بدنش را قطعه قطعه می‌کنند، و من از این بلاها محفوظ و سالم هستم... خدایا، چه بسا بنده‌ای که شب و روزش در میدان جنگ می‌گذرد و با رنج و سختی و دشمن روبه‌روست و از هر طرف دشمنان با شمشیر و نیزه و تیر و سنان او را احاطه کرده‌اند و او در میان آهن و فولاد و با نعره و فریاد و در نهایت، رنج و گرفتاری می‌کوشد، اما چاره و گریزگاهی نمی‌یابد. بدنش زخم فراوان برداشته و در خونس در زیر سم اسبان و پاهای جنگجویان غوطه‌ور گشته و آرزوی جرعه‌ای آب و یا دیدار مجدد زن و فرزندان را می‌کشد و به خواسته‌اش نمی‌رسد و جان می‌سپرد و من از این بلاها و رنج‌ها محفوظ و سالم می‌باشم.

ضرورت شکرگزاری از نعمت حکومت اسلامی

در مقام شکرگزاری گاهی انسان به اجمال و یکجا شکر همه نعمت‌های خداوند را به جا می‌آورد، ولی شایسته‌تر آن است که نعمت‌های خدا دسته‌بندی شوند و به تفصیل هر بخش از نعمت‌ها نام برده شوند و شکر آنها به جا آورده شود. مثلاً انسان جداگانه نعمت‌های موجود در بدن، نعمت‌های روانی و روحی، نعمت ایمان و هدایت، نعمت خانواده، نعمت فرزند سالم مؤمن، نعمت خویشان، نعمت رفیق شایسته و نعمت استاد را در ذهنش مرور کند و یا بر زبان آورد و در قبال هریک از آنها خداوند را شکر گزارد. همچنین به نعمت‌های اجتماعی،

مربوط به شکر نعمت‌های خداست بخوانیم. نظیر مناجات شاکرین و دعای دیگری که در صحیفه سجاده دربارۀ شکر وارد شده و در آن به کوتاهی در ادای شکر خدا اعتراف شده است. در این باره از بهترین و مؤثرترین دعاها، که در آن کراراً از نعمت‌های خدا یاد شده است و بزرگان تأکید دارند که آثار دنیوی و معنوی فراوانی دارد، دعای جوشن صغیر است که شایسته است انسان هفته‌ای یک‌بار و لااقل ماهی یک‌بار آن دعای شریف را بخواند، تا بدین وسیله به یاد نعمت‌های بزرگی بیفتد که گاهی انسان از آنها غافل می‌گردد. در فرازی از آن دعای شریف آمده است: «الهی، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَخَشْرَجَةِ الصُّدْرِ...»^(۲) خدایا، چه بسا بنده‌ای که شب و روزش می‌گذرد، در حالی که با خطر مرگ مواجه است و دل تنگ و اندوهناک است و مرگ را که بدن‌ها از آن لرزان و دل‌ها از آن ترسان می‌باشند، به چشم می‌نگرد و من از این بلاها مصون هستم... خدایا، چه بسا بنده‌ای که شب و روزش با بیماری سخت و درد و رنج می‌گذرد و فریاد می‌کند و با غم و اندوه در بستر بیماری به خود می‌پیچد، نه گریزگاهی می‌یابد و نه خوراک و نوشیدنی بر او گوارا می‌گردد. من با تندرستی و سلامت بدن و آسودگی و آسایش زندگی می‌کنم؛ همه اینها از فضل و کرم توست... خدایا، چه بسا بنده‌ای که شب و روزش با ترس و هراس و اضطراب سپری می‌گردد و بیمناک از دشمن به هر سو می‌گریزد و در هر سوراخی می‌خزد و در پی دخمه‌ای است که در آن پنهان شود و زمین با همه فراخی و گستردگی بر او تنگ گشته و چاره‌ای نمی‌یابد و پناه و جایگاهی ندارد، و من از همه این رنج و بلاها ایمن و آسوده خاطر و سلامت هستم.

در ادامه دعا آمده است: «الهی وَسِیدی، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

عراق که هر روز عده‌ای هدف بمباران‌ها و عملیات انتحاری قرار می‌گیرند و جانشان را از دست می‌دهند و فرصت زندگی همراه با امنیت و رشد اقتصادی از مردم گرفته شده است. ما باید خداوند را سپاس گوئیم که در مملکتی به سر می‌بریم که امنیت حاکم بر آن در دنیا بی‌نظیر است.

چندی پیش چند نفر مسیحی ساکن در یکی از کشورهای غربی، که مدتی برای کسب معارف اسلامی در قم به سر بردند، در مصاحبه با خبرنگاران گفتند که ایران از امنیت بسیار بالایی برخوردار است. ما در هیچ کشوری چنین امنیتی را مشاهده نمی‌کنیم. آنان گفتند که در کشور ما که از کشورهای بسیار پیشرفته به شمار می‌آید، زن‌ها جرئت نمی‌کنند که پس از غروب آفتاب از خانه خارج شوند و در خیابان‌ها قدم زنند. چندی پیش در روزنامه خواندم که در کشور آلمان رانندگان زن برای اینکه مورد تجاوز قرار نگیرند، مجسمه نیم‌تنه انسانی را در کنار خود قرار می‌دهند، تا افراد فاسد تصور کنند آن رانندگان زن همراه دارند و از فکر تجاوز به آنها منصرف گردند. بنگرید با اینکه در کشوری چون آلمان همه لذت‌های مادی و حیوانی فراهم است، اما چون خوی حیوان‌صفتی و شهوت‌پرستی افراد فاسد سیری‌ناپذیر است، از آن لذت‌های حیوانی که در اختیارشان قرار دارد، سیر نمی‌گردند و به فکر تجاوز و تعرض جنسی به دیگران می‌افتند. در نتیجه، امنیت جنسی و روانی جامعه را سلب می‌گردانند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹۸، ح ۲۵.
- ۲- شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای جوشن صغیر.
- ۳- همان.

بخصوص نعمت حکومت اسلامی که در رأس آن نایب امام زمان (عج) قرار گرفته، توجه یابد و به پاس این نعمت بزرگ حمد و سپاس خداوند را به جا آورد. نعمتی که در سایه آن برکات فراوان مادی و معنوی و عزت و سرفرازی نصیب ما گشته است و ما با کمال آسایش و بدون مزاحمت در کشور اسلامی خود و در نظام ولایت فقیه می‌توانیم به وظایف دینی و اجتماعی خود پردازیم. در دوران حکومت پهلوی و حاکمیت رژیم ستم‌شاهی، وضع به گونه‌ای بود که دانشجویان مذهبی جرئت نداشتند در محیط دانشگاه نماز بخوانند، چون مورد استهزا و تمسخر دیگران قرار می‌گرفتند. حتی کارگزاران آن نظام در صدد بودند که در محیط دانشگاه حجاب را ممنوع سازند. محیط شهر و اجتماع فاسد و آلوده بود. مراکز فساد، قمارخانه‌ها و مغازه‌های مشروب‌فروشی فراوان بود، شمار مشروب‌فروشی‌ها بسیار بیشتر از کتاب‌فروشی‌ها بود. تا اینکه با مجاهدت‌های رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و پیروان صادق ایشان، آن نظام سرنگون گشت و حکومت اسلامی جایگزین آن گردید و مراکز فساد تعطیل شد و فرهنگ اسلامی گسترش یافت و مردم در کمال آسایش و امنیت به وظایف فردی و اجتماعی خود می‌پردازند. ما باید این حکومت و نظام اسلامی را که با رهبری داهیانه حضرت امام، و جان‌فشانی‌های شهیدان سرفراز به وجود آمده، مقایسه کنیم با دولت‌ها و حکومت‌هایی که در همسایگی کشور ما قرار دارند و یا سایر حکومت‌هایی که غرق فساد هستند و مسئولان آن حکومت‌ها به فکر عیاشی و خوش‌گذرانی و انباشت ثروت و سرمایه و سوءاستفاده از درآمدهای ملی می‌باشند. بنگریم به شرایط ناامن کشورهای افغانستان و



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی